اتاق روشن

درس‌های عکاسی و تاریخ

علی فرامرزی

■ در بغداد عکاسی کرده بود، پس از سرنگونی صدام؛ دیکتاتوری که نه‌فقط کشور خویش را به زیر چکمه‌های بیگانه برد، بلکه آن همه داغ بر دل مادران ایران نشاند. شاید خاطراتی که از آن سال‌ها داشتم و آن همه غروری که در رفتار سردار قادسیه بود، باعث شد کنتراست آن تنهایی و بی‌کسی و غربتی که در عکس بود تا این حد توجه من را به خودش جلب کند. عکس را عباس، عکاس سرشناس ایرانی گرفته بود، سر مجسمه صدام بود به زنجیری بسته، غریب و بی‌کس، تا آن حد که هم هنر عکاس و هم درس تاریخ انسان را تکان می‌داد. سرد و برابر سر معمولی بود از برنز سخت که می‌توانست سال‌ها دوام آورد همان‌گونه که سفارش‌دهنده و هنرمندش گمان کرده بودند و شاید هرگز به ذهن‌شان خطور نکرده بود که روزی اینچنین تنها بر آسفالت‌های سرد خیابان‌هایی که آن همه با غرور بر آنها قدم گذارده بود، رها شود.

عکس سیاه و سفید گرفته شده بود در تاریک و روشن یک غروب. حتی به ذهن کسی نیامده بود که به‌عنوان اثری تاریخی آن را بنگرد. آن روزها هنوز اسمش میدان انقلاب نشده بود؛ ولی از در و دیوارش، زمین و آسمانش هیجان می‌جوشید، همچنان‌که این روزها در کشورهای عربی می‌بینیم. غلغله‌ای بود از خشم و امید، انقلاب کرده بودیم و شاه رفته بود و بازار سرنگونی مجسمه‌های سفارشی گرم بود. سرد و برابر سر معمولی بود از برنز سخت که می‌توانست سال‌ها دوام آورد ولی این‌بار با زنجیر به پشت وانتی بسته شده بود و بر آسفالت خیابان کشیده می‌شد و جماعت به دنبالش می‌دویدند و بر آن لگد می‌کوفتند. یکی از چندین سرهایی بود که به اراده مردم سرنگون شده بود. نفهمیدم که عاقبتش چه شد، آیا کسی آن را به‌عنوان اثر تاریخی نگاه کرد یا سر از کوره‌های میدان شوش درآورد و زینت خانه‌ای شد و شاید در گوشه زیرزمین مجموعه‌داری به انتظار حراجی نشسته است تا دست به دست بگردد و بر آن تفسیرها بنویسند.

دیوار برلین که فرو ریخت، بازار سرنگونی گرم بود و مجسمه‌هایی بود که از دیکتاتور گرجی و دیگر کسانی‌که عمری خون به دل مردمان‌شان کرده بودند، یکی یکی سرنگون می‌شد و بسیار سرانی که توپ چوگان بازی روزگار شده بودند و مردمان به دنبال‌شان شادی می‌کردند و دوربین‌ها به سراسر دنیا تصویرش را می‌فرستادند تا در خاطره تاریخ ثبت شود.

آخرینش تا به امروز آن چیزی بود که بر صفحه تلویزیون دیده می‌شد از پایتخت قذافی، نه ببخشید لیبی. آن نیز سری بود از برنز سخت روی دستان جوانانی که سرمست از پیروزی و شادی که از شدت ناباوری نمی‌دانستند که با آن چه کنند تا حق آن همه تحقیری را که از جانب او تحمل کرده بودند، ادا کنند، به هوا می‌بردند، بر زمینش می‌زدند، لگدکوبش می‌کردند و در زیرپاهایشان عکس یادگاری می‌گرفتند. همچنان که کاتالوگ عباس دستم بود و تلویزیون تصویر سر سرنگون دیکتاتور لیبی را نشان می‌داد از خاطرم گذشت که هنرمندش کجاست!؟ آیا در بین همین مردم است و او هم از شادی این سرنگونی سر از پا نمی‌شناسد!؟ یا به گوشه‌ای خزیده از ترس جان. شاید در طرف دیگر مدیترانه حمام آفتاب گرفته و بازی روزگار را نظاره می‌کند. به ذهنم آمد ای‌کاش موزه‌ای ساخته می‌شد. جهانی که می‌توانست تمام سرهای سرنگون را از گوشه و کنار کشورها جمع کند و سرنگونی آنها را به نمایش گذارد که اگر چنین می‌شد، مکانی دیدنی و پندآموز فراهم آمده بود. راستی یادم نیست که با سرهای بن‌علی و حسنی مبارک چه موزه پویایی می‌توانست برپا کند.

تاریک‌خانه

از چشم درون تا رونمایی از گنجینه

■ این دومین بار است که بعد از انقلاب اسلامی آثار عکاسان خارجی موجود در گنجینه موزه به نمایش گذاشته می‌شود. تاکنون یک بار، تعدادی از آنها در بخشی از نمایشگاه «چشم درون» در سال ۱۳۸۶ امکان نمایش پیدا کرده‌اند. قدیمی‌ترین عکس این مجموعه مربوط به ویلیام تالبوت انگلیسی (۱۸۰۰-۱۸۷۷) است که از عکاسان برجسته قرن نوزدهم محسوب می‌شود. از عکاسان دیگر که در این نمایشگاه آثارشان به نمایش گذاشته شده می‌توان به ویلیام هنری جکسون آمریکایی (۱۸۴۳-۱۹۴۲)، نادار فرانسوی (۱۸۲۰-۱۹۱۰)، ادوارد استایکن آمریکایی (۱۸۷۹-۱۹۷۳)، هنری پیچ رابینسون انگلیسی (۱۸۳۰-۱۹۰۱)، گرترود کازبیر آمریکایی (۱۸۵۲-۱۹۳۴)، و... اشاره کرد. آثار این عکاسان که ۱۲۴ اثر به همراه شش مجموعه عکس از پنج دوره عکاسی جهان است، تا ۲۱ آذر تمام گالری‌های موزه هنرهای معاصر را به خود اختصاص می‌دهند.

گفت‌وگو با علی زعیم، به بهانه نمایشگاهش در گالری سیحون

تماشای جهان کهنسال زخمی

لیلا پاک‌زاد

علی زعیم از جمله طراحان گرافیکی است که امروزه با آثارش در فضای تجسمی، به صورت حرفه‌ای، آشنایی داریم. با مطالعه‌ای روی کارنامه کاری او، با رویکردی مواجه می‌شویم که در پی جست‌وجوی هویت‌های چندگانه و چگونگی تعامل با پیچیدگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی او، به‌خصوص در طرح‌های روی جلد کتاب اوست. این موضوع را در سیر روندی که تلاش برای یافتن هویت فردی است، چه از مجموعه طراحی‌های گرافیک او و چه در آثار نقاشی‌اش که اخیرا در گالری سیحون برپا شده، می‌توان یافت. گفت‌وگو با زعیم به مناسبت برپایی نمایشگاه نقاشی‌اش در گالری سیحون تحت عنوان آمیزه‌ها صورت گرفت.

■■■

با توجه به اینکه شما یک گرافیست حرفه‌ای هستید و در فضایی نو به نقاشی پرداختید، منظورم همین نمایشگاه اخیرتان با نام آمیزه‌هاست، این فضا را چگونه تجربه کردید؟

سوال بسیار خوبی است، اخیرا در حال جمع‌آوری و تالیف آثار طراحان بزرگ گرافیک در یک قرن گذشته هستم، از اواخر قرن نوزدهم تا عصر حاضر. در این کنکاش اکثر این طراحان در دوره‌ای از فعالیت گرافیکی خود، فاصله گرفته‌اند و به حوزه‌های دیگر در هنرهای تجسمی پرداخته‌اند. ظاهرا این امر تبدیل به یک سنت رایج تاریخی شده و جریان اولیه هنری من، قبل از تحصیل در گرافیک از ابتدا با نقاشی شروع شد و در این مسیر زیر نظر استاد آیدین آغداشلو به فراگیری پیشرفته نقاشی پرداختم، تا پس از طی زمانی مداوم، به این فرصت رسیدم و اکنون با برپایی این نمایشگاه زمان برای ثبت نقاشی‌هایم حاصل شد و به قول معروف، به نوعی توانستم به آرامش خاطر خود، آنچه که سالیانی در من پنهان بود، دست یابم.

آیا تجربه‌ای که در طراحی گرافیک داشته‌اید، به روند کار نقاشی شما کمک می‌کند؟

هنر معاصر هنر بینابینی است و اقسام آن در محدوده‌های مشترک بین عکاسی، گرافیک، نقاشی، مجسمه‌سازی و دیجیتال آرت در رفت و آمد است. گرافیک ظرفیت‌های طراحی و ترکیب‌بندی‌های موفقی را در کارهایم به ارمغان آورده است. البته در این مجموعه با نیتی قبلی از دیجیتال آرت پرهیز کرده‌ام و تکنیک کارهایم، اکریلیک بر روی بوم است.

آیدین اغداشلو در نقد نمایشگاه نقاشی‌های شما ضمن توجه به این نکته، شما را هنرمندی جدی که همواره حرفی برای گفتن و چیزی برای عرضه کردن دارد، معرفی می‌کند و تماشای آثار شما را دلپذیر می‌داند، اما اشاره داشته است که تماشای جهان کهنسالی که در معرض ساختارهای مدرن صدمه دیده و زخمی شده است این بیان نوعی نگاه رایج شده در این روزهاست و آن را نگاه حساس‌شده و احساساتی می‌بیند که بازسازی آن معنا را تجدید و تمدید نخواهد کرد، این بینش تا چه اندازه بر کارهایتان تاثیر داشته است؟

این موضوع بخشی از واقعیت این مجموعه است اما شاید همه آن نباشد، به قول او اثر هنری زمانی که از زیر دست هنرمند بیرون می‌آید، عمر و حیات می‌یابد؛ حیاتی که با نیت هنرمند متفاوت است. اما دیدگاه من در این مجموعه هویت بود. به همین دلیل نام آمیزه‌ها را برای آن در نظر گرفتم، هرچند که این آمیزگی با حسرت و نوستالژی غمگنانه همراه باشد. این نگاه از تلاش برای بازنمایی یک مکان یا هویت یا صدور بیانیه‌ای تاریخی گذر کرده و به جست‌وجو و کنکاش در روابط بینامکانی پرداخته است. روابطی که اساسا هرگونه مفهوم منسجم و یکپارچه از مکان و محلیت را به چالش کشیده‌است.

یعنی شما علاوه بر حس نوستالژی و جست‌وجوی گذشته ایده خاص دیگری داشته‌اید؟

همین‌طور است، این مجموعه به هنر و هویت اشاره دارد. نمونه‌های منحصر به‌فرد کاشی‌های دوره اسلامی که اکثرا در موزه‌های بزرگ دنیا با احترام نگهداری می‌شوند. از سویی دیگر، عناصر مدرن در لابه‌لای این کاشی‌ها خزیده‌اند و نوعی تضاد و در اصل هماهنگی همزمانی، شما را تحریک می‌کند. شاید این‌گونه به هویت پیچیده ایرانی امروزی نزدیک گشته‌ام. هنر اسلامی هنری برگرفته از روح لطیف انسانی است که در دوره‌هایی خاص شکوه و خلاقیت منحصر به فردی داشته است و دلیل آن هویت برجسته اجتماعی مردمان آن دوره است. برای مثال در عصر صفوی زنان الگو و یا مدل‌های لباس و اقلام آرایشی و سلیقه‌های پوششی خود را تا شرق دور و چین صادر می‌کردند و در کنار آن یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های آن زمان، میدان امام اصفهان، توسط معماران آن دوره، چه از لحاظ زیبایی و کاربری ساخته شد، که یکی از میراث‌های ماندگار جهانیان است. ماحصل این افتخارات، دانش، فداکاری‌ها و از خودگذشتگی‌هایی بوده که خیلی دوامی نمی‌یابد که دلایل آن را نمی‌دانم و در تخصص من هم نیست؛ ولی این تاریخ در کارهایم به‌ناگاه به صورت یک شلوار اسپرت جین که از لابه‌لای کاشی‌های آبی لاجوردی هفت رنگ عصر صفوی بیرون زده، مشخص می‌شود که تلفیقی از جنس هارمونی و تضاد را نشان می‌دهد. چند سال پیش وقتی به اصفهان رفتم دمپایی‌های پلاستیکی و ظروف بی‌اهمیت چینی تمام بازار میدان امام را پر کرده بود. ایده کاشی‌ها از همان جا به سراغم آمد. ایرانی امروزی اگر هویت خود را بر مبنای ایران و دین مبین اسلام و سنت‌های آن برگرفته باشد، در قبال تجدد که بخشی دیگر از هویت او را شکل می‌دهد دچار سراسیمگی و دستپاچگی عجیبی شده‌است. من سعی کردم از این سراسیمگی اجتماعی، نوعی رهایی پیدا کنم و بیانم را در کارهایم، به عنوان نمونه، حضور همین شلوار جین که در میان کاشی‌های هفت رنگ عصر صفوی است، نشان دهم و در عین حال همزمان با ترسیم این کنتراست و تضاد به گونه‌ای هارمونی و هماهنگی نیز دچار گشتم که وصف حال صحیحی از ایرانی امروزی است.

یعنی شما همچنان که به مفاهیم خاطره و وابستگی می‌پردازید، آنها را گسترش می‌دهید و تلفیقی از عناصر محلی و جهانی را نیز بیان می‌کنید، آیا این روش جریان متداولی در فضای امروز است؟

بخشی از هنر معاصر است، تلفیقی از نمادهای بومی و سنتی و مدرن در زمان‌های گذشته و حال، اشیایی که در این نمایشگاه به نمایش در آمده‌اند و با استفاده از بافت، فرم و رنگ در حال گفت‌وگو با یکدیگرند در این نقاشی‌ها انسان دیده نمی‌شود اما هریک می‌تواند چهره انسان امروزی باشد. کاشی برای من یک هدیه الهی و نوعی تقدس و جاودانگی را در خود ذخیره کرده است و اشیا دیگر مثل مدارهای مخابراتی و کامپیوتری و قراضه‌های سنگین فلزی در این آثار هویت ما را در کنار یکدیگر بارز می‌کنند. جغرافیای تمدن فرهنگ ایرانی از شبه جزیره هند تا منطقه بالکان ردپای شناخته شده‌ای دارد و راز ماندگاری آن در آمیزش و تلفیق است. استعلای هنر اسلامی بدون تاثیرگذاری ایرانیان بی‌معنی است و راز این معما را فقط در آمیزش فرهنگی می‌توان دنبال کرد.

آنها روایت‌گران امروزی هستند و سوالاتی را در خود دارند که به شناخت ما کمک می‌کند. اصولا وظیفه هنر چنین است.

به نظر شما هنرمندان چگونه می‌توانند به بازنمایی تفاوت فرهنگ محلی بپردازند؟

موضوع خیلی پیچیده نیست، کافی است نگاهی به اطرافمان بیندازیم و ببینیم فرهنگ‌های گوناگون در کنار هم زندگی می‌کنند و هویت این‌گونه شکل می‌گیرد. گنجینه‌های فرهنگ ایرانی همچنان درون خود ذخایر بی‌نظیری دارد که می‌توان با برداشت‌های آزاد و معاصر آن را به‌کار گرفت. نقاشی‌های سنتی هر چند خاطره‌انگیز و با اصالت است اما خواسته‌ها و نیازهای جامعه امروزی را برآورده نمی‌کند و تجدد در این میان بخشی از هویت ایرانی است و میزان و سنجش برای عبور از این مرحله تاریخی است. زمانی می‌توان به توسعه یافتگی و چشم‌اندازهای آن دل ببندیم که در بسترهای فرهنگی و هنری به کارآمدی و پتانسیل قابل‌توجه دست یابیم، توسعه فرهنگی حاصل نمی‌دهد مگر اینکه در قضاوت و اندیشه به میانه روی روی آوریم، این نکته‌ای است که بدون آنکه آگاهی داشته باشیم، از آن رنج می‌بریم و شاید اشارات اندیشمندان پارسی همچون سعدی شیرازی، به دلیل فقدان آن در طول تاریخ، بوده است.

این نوع بینش شما در تلاقی مسیر فرهنگی و هنری گذشته با آینده قابل احترام است، آیا این نوع نگاه را در کارهای بعدی شما مشاهده خواهیم کرد؟

این تفکر، شالوده ذهنی زعیم معاصر را در بر گرفته است و به سمت آینده پیش می‌رود، کارهای گذشته را پشت سر می‌گذارم و در برابر بوم سفید می‌ایستم. هیجان، کار بعدی مرا به وجد می‌آورد.

به قول استاد آغداشلو، آزادی هنرمند در برگزیدن او است.

آیا این نمایشگاه ویژگی متمایزی نسبت به دیگر فضاهای موجودِ در جریان جامعه دارد، که همین دلیلی بر خوانش مخاطب برای بازدید از نمایشگاه‌تان باشد؟

این مجموعه با فاصله گرفتن از تفنن و شوخ طبعی‌های این روزهای هنر معاصر و خارج از نگاه کلیشه‌ای سنت اوریانتالیسم شکل گرفته، شاید این بهترین تفاوت باشد.

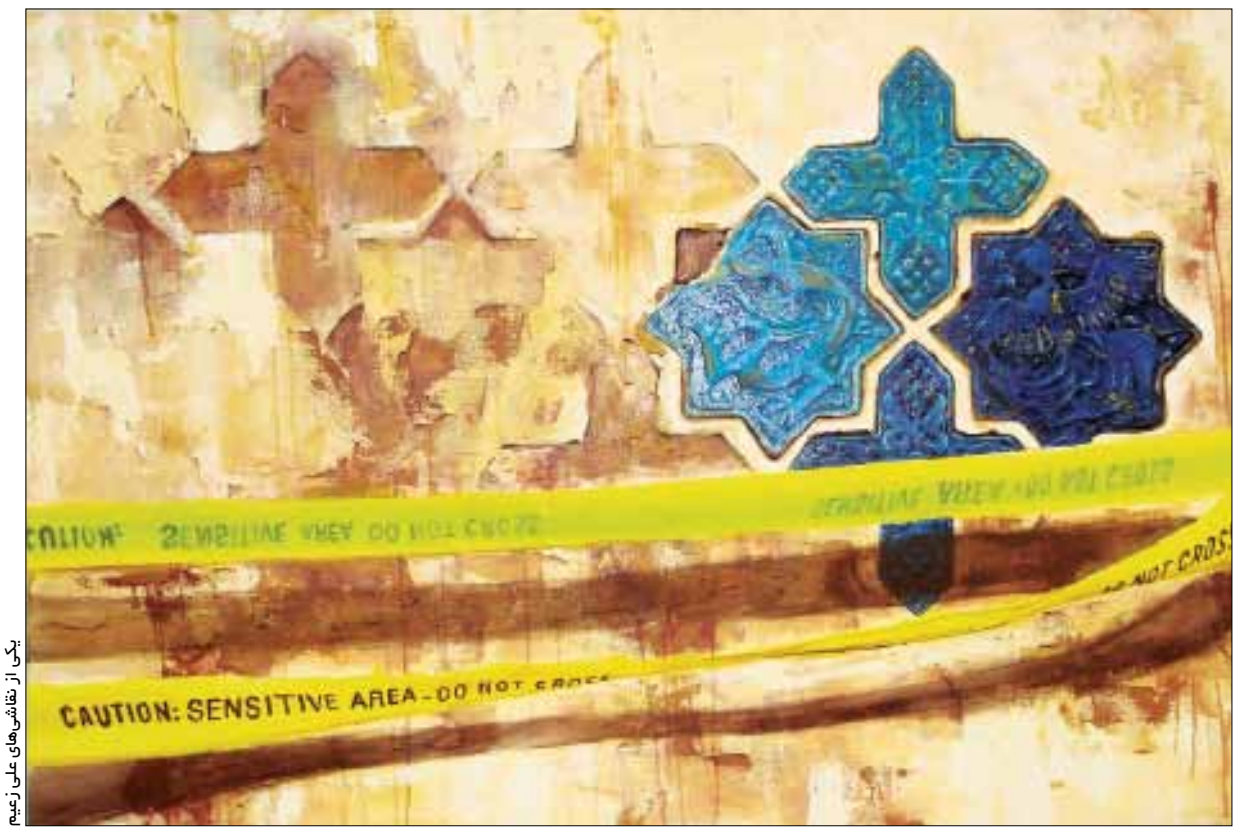

یکی از نقاشی‌های علی زعیم

شات

جای خالی چهاردهه هنر معاصر در گنجینه موزه

سوت پایان هنر معاصر

زهرا توسلی

■ عکس‌های گنجینه موزه هنرهای معاصر برای اولین بار بعد از انقلاب به طور کامل از زیرزمین این مکان به نمایش گذاشته شد. این نمایشگاه که از شامگاه دوشنبه چهارم مهرماه آغاز شده، از جهاتی خوب و از یک جهت سوال‌برانگیز است. اولین سوالی که به ذهن می‌رسد اینکه چرا این عکس‌ها تا فاصله زمانی پیروزی انقلاب (دهه ۷۰ میلادی) را دربرمی‌گیرد. این سوالی همیشگی است که چرا موزه طی چند سال اخیر، برای خرید آثار هنری معاصر دنیا اقدامی نمی‌کند. هر بار هم که از مسوولان مربوطه در این زمینه سوال شده، جوابی جز «کمبود بودجه» به گوش نرسیده است. از طرفی، گنجینه موزه دستاویز خوبی برای خودنمایی موزه هنرهای معاصر نیز هست؛ چرا که موزه می‌تواند از این ابزار برای جلب توجه هنرمندان و هنردوستان استفاده کند. با برگزاری هر دوره از نمایشگاه‌های گنجینه که تاکنون برپا شده، جای خالی آثار خارجی بعد از انقلاب به چشم می‌خورد و بینندگان آه حسرت‌باری را از دل برمی‌آورند. نمایشگاه عکس گنجینه هم از این مورد مستثنا نیست، وقتی به ردیف عکس‌های به نمایش گذاشته‌شده که هریک گویای دوره‌ای از تاریخ عکاسی جهان تا دهه ۷۰ است نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که از دهه ۷۰ جلوتر نرفته‌ایم و اهتمامی برای خرید آثار عکاسان جهان بعد از این دوره نشده است. بنا بر گفته افشین شاهرودی، دبیر نمایشگاه از دهه ۷۰ هم عکس‌هایی هست ولی بسیار محدود. این مساله تنها به آثار عکاسی گنجینه خلاصه نمی‌شود، تمامی آثاری که در گنجینه موزه هنرهای معاصر نگهداری می‌شود، در دوران پیش از انقلاب خریداری شده‌اند. این خود گویای کم‌توجهی به هنر مدرن و معاصر جهان در سال‌های بعد از انقلاب است. کشوری که از گذشته تاکنون از سرآمدان هنر جهان بوده، موزه‌اش خالی از آثار معاصر هنر شده و به دلیل کمبود بودجه نمی‌تواند این خلأ را پر کند. شاید بعد از چند سال دیگر اطلاق نام «معاصر» به این موزه سوال‌برانگیز باشد. با تمام این احوال، پرده‌برداری از گنج چندمیلیاردی موزه هنرهای معاصر در خود نکات مثبتی خصوصا برای دانشجویان رشته عکاسی دارد. درحقیقت مشاهده آرشیو غنی عکس‌های موزه بعد آموزشی مهمی دارد و می‌تواند با میزگردها و جلسات نقد و بررسی به موازات آن، سودمندتر از این باشد.

عکس: جمله رنگ

جدول ۱۳۳۸

افقی:
۱- راکد و غیرجاری- گوشت بریان- فنجان ۲- پیامدها- عروسک جالیز- درختی جنگلی ۳- گستاخ- پدر بزرگ- آیین‌ها ۴- ناشنوا، کر- کشف مادام کوری- دچار اختلال ۵- قلعه مستحکم- تاثیرکننده- حمام ۶- تن پوش- سدی در استان خراسان- سقف دهان ۷- زینهار- پوستین دوز- پوست قیمتی ۸- مارکی بر لوازم صوتی- چشم پزشک معروف ۹- نام ترکی- قبیله یمن- کمیابی ۱۰- نومیدی- نام سابق اردکان- از اعداد دو رقمی ۱۱- کتابی از صادق چوبک- باشگاه- قاتل درخت ۱۲- والده- سروده ویرژیل- گریزحیوان ۱۳- نشسته- پیمان- ناپدید ۱۴- کمانگیر اساطیری- اعتبار- محل فیلمبرداری که در استودیو قرار دارد ۱۵- سخن بی‌پرده- خوش چهره- نقاشی متحرک

عمودی:
۱- جدا شدن- وسیله‌ای برای پرواز- فریاد ۲- هنوز لاتین- چاشنی صبحانه- کشور اروپایی ۳- درختی است بلند با چوبی سیاه رنگ- از اشعه‌ها- اندیشه ۴- درست- آفتاب نیست- یک ششم چیزی ۵- کالبدها- جمع ناسور- چه وقت؟ ۶- جمع رد- واحد شدت جریان الکتریکی- تازی ۷- یارغم- نام قدیم مدینه- ویتامینی در روغن‌ها- هدیه دادن ۸- دودکش- سدی در استان آذربایجان شرقی ۹- بخشنده- رایحه- شیفته و شیدا- حرف فاصله ۱۰- چه بسیار- جهان- امر به نواختن ۱۱- کالای دست اول- اموات- پشت سر هم ۱۲- زخم بی‌نقطه!- ابزار نجاری- اهرم ۱۳- شاخه تازه روییده – اخذ کرد- گل و لجن ۱۴- نقاش آلمانی قرن نوزدهم مولف جنگ هون‌ها- اندیشه کردن- آتش بی‌مقدمه! ۱۵- موی گوسفند- از حروف عربی- اثر «جان کیتز»

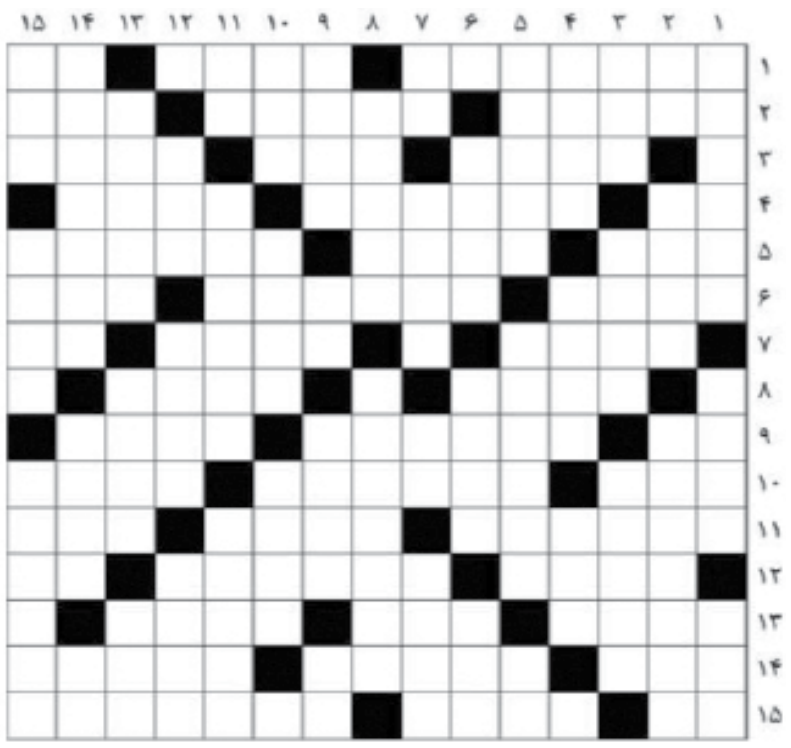

حل جدول ۱۳۳۷

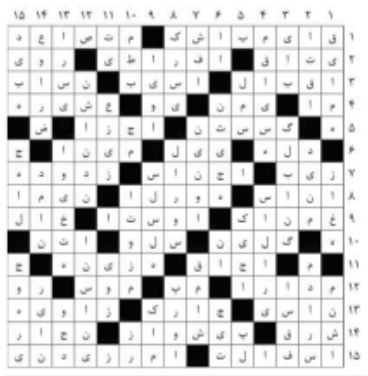

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

سودوکو ۳۴۱

۴	۹				۸	۵		۲
				۴		۹	۶	۳
۲			۷	۹		۱	۸	
۸	۷	۴	۹			۶		
	۶	۳		۷	۱	۲		
۹	۲			۵		۷		
۱			۵	۸			۹	۶
۳	۵		۴			۸		
			۱	۳			۵	۷

قانون‌های حل جدول سودوکو:
۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

حل سودوکو ۳۴۰

۵	۶	۴	۱	۲	۹	۷	۸	۳
۱	۹	۳	۶	۸	۷	۴	۲	۵
۸	۲	۷	۵	۳	۴	۱	۶	۹
۶	۵	۸	۲	۹	۱	۳	۴	۷
۲	۳	۱	۷	۴	۵	۸	۹	۶
۴	۷	۹	۸	۶	۳	۲	۵	۱
۳	۴	۵	۹	۱	۸	۶	۷	۲
۷	۸	۶	۳	۵	۲	۹	۱	۴
۹	۱	۲	۴	۷	۶	۵	۳	۸